



از آتشکده تا کعبه

سلمان ایران



این روزها که صحبت از وحدت و همدلی مردم ایران است، مفاهیمی مانند هویت ایرانی و اسلامی روزبه‌روز درهم‌تنیده‌تر می‌شوند و مانند موجودی واحد هستند که همه اجزای آن‌ها باهم سازگار است و تناقضی با یکدیگر ندارند. هویت ایرانی و آموزه‌های اسلامی نه‌تنها با یکدیگر اختلافی ندارند، بلکه در طول تاریخ کشورمان همراه و قرین یکدیگر بودند؛ تا حدی که یک مسلمان واقعی، انسانی ایران‌دوست و خواهان آبادانی و پیشرفت آن است و از طرفی دیگر، افرادی که کشورشان ایران را دوست دارند، دل در گرو تعالیم اسلامی دارند.

پیوند عمیق ایران و اسلام پدیده‌ای نیست که ریشه در سال‌های گذشته یا سال‌های پس از انقلاب اسلامی داشته باشد. هرچند که انقلاب اسلامی این پیوند را محکم‌تر کرد، اما یکی از ریشه‌های اصلی این پیوند به دست شخصیت بلندمرتبه‌ای به نام «سلمان فارسی» رقم خورد؛ کسی که در روستای «جی»، حوالی اصفهان امروزی به دنیا آمد و در راه جست‌وجوی حقیقت از هیچ رنجی دریغ نکرد؛ کسی که در دلش آتش پیدا کردن حقیقت شعله‌ور بود.

برای همین هم از آتشکده‌های زرتشتی زادگاهش
فرار کرد و به صومعه‌های شام پناه برد و از آنجا نیز به
مدینه رفت تا سرانجام گم‌شده خود را در مدینه
یافت؛ گم‌شده او، دینی بود که حضرت محمد^(ص)
تبلیغ‌کننده آن بود و تعالیم اسلام برطرف‌کننده
تشنگی روح او بود. مهر و محبت حضرت محمد^(ص)،
سلمان را به اوج کمال خود رساند.

البته این مهر و محبت یک‌طرفه نبود، بلکه پیامبر اسلام هم در زمانه‌ای که بسیاری به‌دنبال ایجاد اختلاف در میان اعراب و عجم‌ها بودند، با مهر و محبتی که به سلمان ابراز می‌کردند، این پیام را می‌رساند که ملاک برتری افراد چیزی فراتر از رنگ پوست و ظاهر و ملیت و ... آن‌هاست؛ تا جایی که پیامبر اکرم در وصف سلمان گفتند: «سَلْمَانُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ»؛ یعنی «همانا سلمان از اهل بیت من است».

این گفته حضرت محمد^(ص) نشان می‌دهد که در اسلام ملیت افراد، ملاک قرابت و نزدیکی معنوی آنها نیست، بلکه یک فرد می‌تواند با هویتی ایرانی از نزدیک‌ترین افراد به والاترین شخصیت جهان اسلام، یعنی پیامبر اکرم باشد.

پیامبر اسلام درباره امور مختلفی با سلمان گفت‌وگو می‌کردند و نظر او را جویا می‌شدند. یکی از مواردی که نظر سلمان برای لشکر اسلام راهگشا بود، در جنگ «خندق» رخ داده است. سلمان که ایده حفر خندق برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان را از نیاکان خود در زمان ایران باستان فراگرفته بود، در نبرد احزاب به پیامبر پیشنهاد حفر خندق را داد. پیامبر این پیشنهاد را پذیرفت و به فرمان آن حضرت حفر خندق آغاز شد. هنگامی که دشمن تا نزدیکی خندق آمد و با آن مواجه شد، گفت: «این (خندق) شگردی است که اعراب آن را نمی‌دانستند».

موارد بالا تنها بخشی از زندگی پرفرازونشیب جناب سلمان فارسی بود. مطالعه زندگانی یاران پیامبر اکرم، موضوعی لازم و جالب است که راه‌ورسم دلدادگی به تعالیم آسمانی اسلام را به ما می‌آموزد؛ اما مطالعه زندگی جناب سلمان به ما می‌آموزد که تعالیم سازنده اسلام نه تنها ما را از هویت ایرانی خود دور نمی‌سازد، بلکه موجب بالندگی آن می‌شود.

یکی از کتاب‌هایی که اطلاعات مهمی درباره زندگی سلمان فارسی به ما می‌دهد، «سلمان فارسی، پیش‌گام رابطه ایران و جهان اسلام» است. مرحوم محمد محمدی‌اشتهاردی که نویسنده‌ای توانمند است، سعی داشته با قلمی ساده و روان، مخاطب خود را با زندگی سلمان فارسی، از تولد تا مرگ ایشان، آشنا کند. این کتاب به کوشش انتشارات به‌نشر به چاپ رسیده است و شما می‌توانید با خواندن آن تجربه‌ای دلنشین از همراهی با زندگانی یک شخص اثرگذار در تاریخ ایران و اسلام داشته باشید.

